



10.48315/qgl.2026.582494.1384

فصلنامه «دولت و حقوق»، دوره ۷، ویژه‌نامه جنگ رمضان ۱۴۰۵، صص. ۱۲۸-۱۰۵

ظرفیت‌های نظام حقوق داخلی در مطالبه غرامت از متجاوزان جنگی در پرتو منویات مقام معظم رهبری؛ چالش‌ها و پیشنهادها

محمد صدری ارحامی*

خلیل منصوری‌زاده**

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر حق مسلم و تاریخی ملت ایران، لزوم پیگیری جبران خسارات ناشی از جنگ تحمیلی را همواره مورد تأکید قرار داده‌اند. این مطالبه، تنها یک خواسته مالی نیست، بلکه احقاق حق است که به رسمیت شناختن رنج‌ها و مقاومت ملت ایران و تنبیه متجاوز محسوب می‌شود. بنابراین، پیگیری این امر یک تکلیف ملی و استراتژیک است که در کلام رهبری بر آن اصرار شده است. این پژوهش با درک این ضرورت، به بررسی ظرفیت‌های عملی و حقوقی مطالبه غرامت از منظر نظام حقوقی داخلی ایران می‌پردازد. تمرکز اصلی پژوهش، بر این پرسش است که آیا در چارچوب قوانین و ساختارهای جمهوری اسلامی ایران، سازوکارها و زمینه‌های لازم برای تعقیب جدی این دعوا در عرصه داخلی وجود دارد؟ به عقیده نگارندگان، در کشور ظرفیت‌های مناسبی برای اقامه دعوی مطالبه غرامت علیه متجاوزین وجود دارد. بر همین اساس، پژوهش مزبور می‌کوشد توانمندی‌های حقوق داخلی را برای هدایت موفقیت‌آمیز این پرونده کلان با روش توصیفی-تحلیلی، مورد شناسایی قرار دهد. هدف از این پژوهش، تهیه رهنمونی برای امکان مطالبه غرامت و پرداخت خسارات مالی و غیرمالی جنگ تحمیلی است تا با اتکا بر قوانین و مقررات داخلی، شرایط ایفای این حقوق مسلم ممکن گردد. با توجه به اینکه خسارات حاصله در بُعد مسئولیت‌های غیرقراردادی تبیین می‌شود، کوشش به عمل آمده تا در این حوزه، توانمندی-های ملحوظ استخراج شده و برای چالش‌های موجود در این مسیر، راهکارهایی همچون توجه به بُعد عملیاتی مجمع تشخیص مصلحت نظام و تفسیر موسع از اقدامات اجرایی ارائه شود.

واژگان کلیدی

جنگ تحمیلی، مسئولیت غیرقراردادی، حقوق داخلی، غرامت، مسئولیت دولت.

* استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

sadri@ihu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

(نویسنده مسئول).

Mansouri.kh@ihu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۳۰

مقدمه

در پی حمله نظامی ائتلاف آمریکایی-اسرائیلی در تاریخ ۹ اسفند ۱۴۰۴ به خاک جمهوری اسلامی ایران، خسارات گسترده و متنوعی به کشور وارد شد. این تجاوز نظامی علاوه بر تلفات جانی قابل توجه، آسیب‌های مالی سنگینی به زیرساخت‌های حیاتی، مراکز اقتصادی، تأسیسات صنعتی و واحدهای مسکونی وارد کرده است. علاوه بر این، خسارات معنوی و روانی ناشی از این حمله، تأثیرات عمیقی بر جامعه ایران بر جای گذاشته است.

در واکنش به این رویداد، مقام معظم رهبری^{مدظله العالی} در بیست‌ویکم اسفندماه همان سال با صراحت بر ضرورت پیگیری حقوقی و بین‌المللی برای جبران این خسارات تأکید فرمودند. ایشان در بیانات خود تصریح کردند: «نکته‌ای که باید گوشزد نمایم این است که به هر صورت ما از دشمن غرامت خواهیم گرفت و اگر امتناع کند به اندازه‌ای که تشخیص بدهیم از اموالش برخورداریم داشت و اگر آن هم مقدور نباشد به همان اندازه از اموالش را نابود خواهیم کرد.» این موضع قاطعانه، بیانگر عزم راسخ نظام جمهوری اسلامی ایران برای احقاق حقوق مسلم ملت ایران در پی این تجاوز است. اما سوالی که در این مسئله نهفته می‌باشد، چنین است که آیا حقوق داخلی کشور ظرفیت لازم برای تحقق این سخن رهبری را واجد است یا خیر؟ مبتنی بر ضرورت مطالبه غرامت از متجاوزان، نگارندگان بر این عقیده هستند که سازوکارهای حقوقی داخلی برای مطالبه غرامت از کلیه طرف‌های درگیر در این حمله، شامل دولت‌های متجاوز و نهادها و شرکت‌های همکار آنان وجود دارد. لکن در مسیر تحقق منویات معظم‌له، چالش‌هایی همچون فقدان نهاد عامل تحقق بیانات مقام معظم رهبری، خلأ در قوانین و تعارض در آن‌ها وجود دارد که این پژوهش در صدد پاسخگویی و رهیابی به این مهم برآمده است که مبتنی بر نظر نگارندگان، امکان مطالبه غرامت از متجاوزان و معاونان آنان بر اساس قوانین موجود داخلی وجود دارد.

پیشینه‌ای پژوهشی مشابه در میان اسناد تحقیقی که در صدد پرداختن به مسئولیت غیرقراردادی مرتکبان تجاوزات جنگی برای محاکمه در محاکم داخلی یافت نشد و این امر دلیل بر نوین بودن پژوهش حاضر است لکن از باب قرابت معنایی می‌توان به موارد روبه رو اشاره کرد: مقاله «تحلیل حقوقی قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران» به قلم عبدالرضا برزگر و تهمینه رحمانی، در صدد بررسی توانمندی این قانون برای مقابله با تحریم‌ها علیه ایران برآمده و به این نتیجه می‌رسد که ماهیت مقررات آن، سیاسی بوده و در جهت اقدام متقابل تدوین شده است. همچنین در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «بررسی ماهیت و ابعاد «عمل متقابل» در قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» به قلم مهدی حدادی و علی احدی کرنق، با تبیین مفهوم اقدام متقابل، به این نتیجه می‌رسد که به دلیل اصل مصونیت

دولت، باید قضات ایرانی در حدود فهرست تهیه شده توسط وزارت امور خارجه اقدام به رسیدگی نمایند.

اهمیت پیگیری این مطالبات نه تنها احقاق یک حق ملی است، بلکه می‌تواند به‌عنوان رویه‌ای پیشگیرانه در مناسبات بین‌المللی عمل نموده و مانع از تکرار چنین تجاوزاتی در آینده شود. در این راستا، قوانین حوزه مسئولیت غیرقراردادی راهگشا خواهد بود تا در این پژوهش و با اسناد گردآوری شده به روش کتابخانه‌ای، به بررسی مبانی مطالبه خسارت پرداخته و سازوکارهای موجود در نظام حقوق داخلی ایران برای تحقق این امر مهم، مورد تحلیل قرار گیرد. این پژوهش برای واریسی دقیق موضوع، در سه مبحث تدوین شده است: ارکان مسئولیت غیرقراردادی، مبانی قانونی مطالبه غرامات و خسارات و چالش‌ها و پیشنهادات در خصوص منظومه حقوقی موجود. باشد که این پژوهش مجاهدت در مسیر مطالبه حقوق حقه مردم و تحقق منویات مقام معظم رهبری را تسریع بخشد.

۱. ارکان مسئولیت غیرقراردادی

اثبات ارکان سه‌گانه مسئولیت غیرقراردادی برای مطالبه غرامت، از اهمیت بنیادین برخوردار است، چراکه این ارکان به منزله پایه‌های منطقی و حقوقی ادعای خواهان به‌شمار می‌روند. اگر ضرر (اعم از مادی یا معنوی) اثبات نشود، اساس حق مطالبه غرامت از بین می‌رود. اثبات فعل زیان‌بار (یعنی تقصیر یا عمل خلاف قانون از سوی خواننده)، عنصر تقصیر و مبنای مسئولیت را محرز می‌سازد. اما حلقه اتصال کلیدی در این میان، اثبات رابطه سببیت مستقیم و قطعی میان فعل خواننده و خسارت وارده است. این رابطه، مسئولیت را به شخص مرتکب نسبت می‌دهد و از تحمیل غرامت بر افراد بی‌گناه جلوگیری می‌کند. در حقیقت، این سه رکن در تعامل با یکدیگر، عدالت قضایی را تضمین می‌کنند؛ بدین معنا که تنها شخصی که مرتکب تقصیر شده و تقصیر او مستقیماً به دیگری زیان زده است، مسئول جبران خسارت شناخته می‌شود. فقدان هر یک از این ارکان، باعث سقوط دعوا و عدم امکان دریافت غرامت خواهد شد. در ادامه، به تفصیل به بررسی این ارکان در موضوع مورد بحث خواهیم پرداخت.

۱-۱. ضرر

ضرر، به نقض بر مال دیگری یا صدمه بر جان کسی یا وهن در عرض دیگری وارد کردن تعریف شده است، مشروط بر اینکه مقتضی قریب آن محقق شده باشد. چنین تعریفی از مفاد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی قابل برداشت است که اشعار می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر

که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». در این خصوص باید گفت که هر ضرری قابل جبران نیست و اخذ غرامت از واردکنندگان ضرر تحت هر اسم و عنوانی اعم از شخص حقیقی و حقوقی، مستلزم شرایطی برای جبران خسارت است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۹۱) که از قرار زیر است:

۱-۱-۱. مسلم بودن ضرر

ضرر وارده نمی‌تواند احتمالی باشد؛ به این معنا که باید تحقق ضرر قطعی بوده و مطابق با روند عادی امور اتفاق افتاده باشد. در نتیجه بمباران‌های ناشی از جنگ، این شرط محقق شده و تحقق آن هیچ ابهامی ندارد. به عنوان نمونه می‌توان به بمباران مراکز هسته‌ای نطنز و بوشهر، مراکز درمانی و اورژانسی مانند تخریب بیمارستان گاندی در تهران و انهدام آمبولانس‌ها اشاره کرد.

۱-۱-۲. مستقیم بودن ضرر

ضرر به طور مستقیم از فعل خوانده ناشی شده باشد. این مهم در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)^۱ مورد اشاره قرار گرفته است. در واقع برای این شرط، احراز سببیت عرفی لازم است (لوراسا، ۱۳۷۵: ۶۵). در موضوع مورد بحث، هیچ تردیدی در تحقق این شرط وجود ندارد؛ زیرا متجاوزان به صراحت اعلام کرده‌اند که مستقیماً اشخاص، اماکن، مراکز و موارد مشابه را هدف قرار داده‌اند یا اینکه در نتیجه اقدامات آنان، صدمات جانی، مالی و معنوی به افراد وارد شده و رابطه سببیت لازم نیز احراز گردیده است. به عنوان نمونه می‌توان به اذعان و اعلام صریح رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا مبنی بر نابودی مراکز هسته‌ای و تخریب زیرساخت‌های انرژی در کشور اشاره کرد.^۲

۱-۱-۳. شخصی بودن ضرر

بر اساس این شرط، ادعای خسارت باید توسط خود زیان‌دیده یا قائم مقام وی مطرح شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۹۹). این شرط که جنبه شکلی و آیینی دارد، بر حسب نوع مال قابل تفکیک

۱. «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تاخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است؛ در غیر این صورت دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد.»

۲. وال استریت ژورنال، استلال عجیب دستیاران ترامپ برای توجیه حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی، ۱۴۰۵/۱/۱۶، <https://nournews.ir/fa/news/307669>، مشاهده در: ۱۴۰۵/۲/۲۷.

است: در مورد اموال عمومی، مانند تخریب ساختمان دانشکده‌ها در دانشگاه علم و صنعت، مقامات عمومی مربوطه حق طرح دعوا دارند. در مورد خسارات وارده به اموال شخصی، مانند منازل مسکونی و تجاری خصوصی، خود شخص زیان‌دیده یا قائم‌مقام او می‌تواند دعوا را اقامه کرده و مطالبه خسارت کند.

۱-۱-۴. ضرر، محصول لطمه وارد شدن به حق شخصی یا نفع مشروع باشد

مبنتی بر این شرط، ضرری قابل جبران است که ناشی از تجاوز به حق شخص، اعم از حق مالی و غیرمالی باشد. یعنی تجاوز بدین صورت باشد که بدون مجوز قانونی، به ورود ضرر اقدام شود^۱ که در جنگ تحمیلی نیز چنین امری صادق است؛ چراکه هیچ مجوز مشروعی در دست متجاوزین برای حمله به کشور بر اساس هیچ مقرره و سندی وجود ندارد (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005: 150). در جنگ صرفاً حق تهاجم به اماکن نظامی را دارا بوده و از حمله به مراکز غیرنظامی می‌بایست اجتناب شود لکن تاکنون ۱۵۰ هزار واحد غیرنظامی تخریب شده‌اند.

۱-۱-۵. عدم تقدم غرامت به ضرر

بدیهی است که نمی‌توان ضرری را مطالبه کرد که قبلاً جبران شده است. به دیگر سخن، زیان‌دیده نمی‌تواند برای یک ضرر دو بار غرامت بگیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۹۰). در مواردی که خسارت توسط بیمه جبران شده باشد، زیان‌دیده تنها در صورتی می‌تواند مطالبه غرامت کند که خسارت وارده به‌طور کامل توسط بیمه پوشش داده نشده باشد. در این صورت، صرفاً برای مازاد بر خسارت جبران شده می‌توان دعوای مطالبه خسارت مطرح کرد.

۱-۲. فعل زیان‌بار

اگرچه هر نوع فعل زیان‌بار اعم از مشروع و غیرمشروع ضامن‌آور است (باریکلو، ۱۳۹۶: ۹۹)، به طریق اولی، ماهیت تجاوزی که علیه کشور صورت گرفته از نوع تعدی و خروج از حدود اذن بوده و کاملاً نامشروع است. اذن مورد اشاره مبتنی بر «اصل عدم مداخله» و احترام به استقلال سرزمینی کشورهاست که در نتیجه تجاوز ائتلاف آمریکایی-صهیونیستی مورد نقض قرار گرفته است. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز به این نکته توجه داشته و شرط «بدون مجوز قانونی» را در نظر گرفته است و بر اساس ماده ۹ قانون مدنی^۲، قوانین بین‌المللی نیز که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده باشد، در حکم قانون است. بر اساس قوانین بین‌المللی، حمله به یک کشور تنها در

۱. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به عنصر مجوز قانونی اشاره کرده است.

۲. مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.

دو صورت مجاز است: دفاع مشروع یا کسب مجوز از شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد.^۱ بنابراین دفاع مشروع پیش‌دستانه‌ای که ایالات متحده آمریکا به آن استناد می‌کند فاقد وجهی حقوقی است.^۲ هیچ‌یک از این دو شرط در مورد تجاوز صورت گرفته محقق نشده است و به همین دلیل، این اقدام نظامی صورت گرفته توسط ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونی مبتنی بر نظریه عملیات پیش‌دستانه، فاقد مشروعیت بوده (صادقی، ۱۳۹۰: ۱۱۹) و مصداق تعدی بدون مجوز قانونی به‌شمار می‌رود. تکلیف دولت ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی بر مبنای بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد^۳ روشن است که اقدامی تجاوزکارانه انجام داده و مسئولیت آن‌ها محرز می‌باشد.^۴ علاوه بر این، مبتنی بر نصوص بین‌المللی، فعل ارتکاب یافته توسط شرکا و معاونان متجاوزان، عملی تجاوزکارانه بوده و ممنوعیت بین‌المللی را به دنبال دارد که در سه فرض قابل بیان است:

۱. به محض آغاز جنگ، صرف‌نظر از نحوه شروع آن، کشورهای متخاصم دیگر تابع حقوق زمان صلح نیستند بلکه از حقوق جنگ تبعیت می‌کنند؛ خواه این حقوق جنبه عرفی داشته باشند یا قراردادی. کشورهای ثالث (یعنی کشورهایی که در مخاصمه شرکت ندارند)، صرف‌نظر از اینکه آیا حقوق جنگ را رعایت می‌کنند یا خیر، روابط خود را با کشورهای متخاصم تابع حقوق زمان صلح قرار نمی‌دهند، بلکه از آن پس ملزم به رعایت حقوق بی‌طرفی هستند. بر اساس ماده ۱ کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴، کشورها نسبت به حریم هوایی خود دارای حق حاکمیت بوده و ورود و خروج از آن نیازمند تأیید آن‌ها است. بر همین اساس، بند (ج) ماده ۳ کنوانسیون اشعار می‌دارد: «هیچ هواپیمای دولتی^۵ یک کشور متعاقد نباید بدون اجازه

۱. ر.ک: ماده ۵۱ و فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد.

۲. در این خصوص مراجعه شود به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای: پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا با موضوع فعالیتهای نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه ۱۹۸۶، پرونده جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا در موضوع فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو ۲۰۰۵ و پرونده ایران علیه ایالات متحده آمریکا در موضوع سکوهاى نفتی ۲۰۰۳.

۳. اعضای سازمان در روابط بین‌المللی خود، از توسل به تهدید و یا استعمال قوه، خواه بر ضد تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی هر مملکت، و خواه به هر نحو دیگری که با مرام‌های ملل متحد متباین باشد خودداری می‌نمایند.

۴. مفاد ماده ۲۵ و ۲۶ مقررات ضمیمه به کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ ژنو که اصول بمباران و تهاجم با جنگ افزار زمینی بود عموماً قابل تعمیم به جنگ‌افزارهای هوایی نیز هستند.

۵. بند (ب) ماده ۳ کنوانسیون: «هواپیماهایی که در خدمت نظامی و گمرکی و شهربانی به کار برده می‌شوند، هواپیماهای دولتی محسوب خواهند شد.»

یا به‌وسیله موافقتنامه مخصوص یا طور دیگر طبق شرایط آن بر فراز و قلمرو کشور دیگر پرواز نماید و یا در آنجا فرود بیاید.» با این وجود، کشورهای حوزه خلیج فارس و اردن، با در اختیار گذاشتن فضای هوایی خود برای عبور و تجاوز نظامی به کشور، همدستی خود را با این تأیید ضمنی، مبرهن ساختند.

۲. بند (و) ماده ۳ قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشعار می‌دارد: «هر یک از اعمال زیر، صرف‌نظر از اعلان جنگ، عمل تجاوز کارانه محسوب می‌شود: ... (و) اقدام دولتی که قلمرو خود را در اختیار دولت دیگری قرار داده تا آن دولت از این قلمرو برای ارتکاب تجاوز علیه دولت ثالث استفاده کند.» قطعنامه مورد اشاره که به وضوح مسئولیت کشورهای حوزه خلیج فارس و اردن را تبیین می‌کند، اگرچه الزام‌آور نیست ولی بدل به قاعده عرفی شده است، چرا که اسناد الزام‌آور دیگری آن را مبنا قرار داده‌اند:

الف) این قطعنامه در واقع تفسیری از بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد است (که استفاده از زور را منع کرده). چون منشور برای همه اعضا لازم‌الاجرا است، تفسیری که مجمع عمومی از آن ارائه داده نیز وزن حقوقی بسیار بالایی دارد.

ب) ماده ۸ مکرر اساسنامه رم که در بازنگری اساسنامه در سال ۲۰۱۰ به اساسنامه اضافه شد، صراحتاً تعریف تجاوز را عیناً و کلمه به کلمه از ماده ۱ و ۳ قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد وام گرفته است. اساسنامه رم نیز برای اعضای آن الزام‌آور است که برخی کشورهای حوزه خلیج فارس، از جمله بحرین و کویت، در عداد اعضای آن هستند.

۳. بر اساس کنوانسیون لاهه، دولت‌ها موظف هستند از تجهیز یا فراهم کردن تسهیلات نظامی به نفع یکی از طرف‌های متخاصم خودداری کنند. ماده ۶ کنوانسیون سیزدهم لاهه ۱۹۰۷ در این زمینه مقرر می‌دارد: «تهیه کشتی‌های جنگی، مهمات یا هر نوع تجهیزات جنسی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، توسط یک دولت بی‌طرف برای یک دولت متخاصم ممنوع است.» اگرچه قواعد کنوانسیون لاهه به‌طور خاص شامل نیروهای هوایی نمی‌شود و صرفاً بمباران و محاصره زمینی و دریایی را پوشش می‌دهد، اما باید توجه داشت که اولاً، عبارت «وسایل جنگی» از دامنه‌ای عمومی برخوردار است؛ به گونه‌ای که می‌تواند شامل اجازه تأسیس پایگاه نظامی برای تجاوز نیز باشد و به هر نوع وسیله‌ای که برای جنگ آماده‌سازی شده است، اطلاق می‌شود. کشورهای حاشیه خلیج فارس و اردن با در اختیار گذاشتن حاکمیت سرزمینی خود به نفع متجاوزان و فراهم کردن امکان تأسیس پایگاه نظامی در خاک خود برای انجام تجاوز که مبنا و مبدأ حملات نیز بوده است، تجاوزات علیه کشور را تسهیل کرده و این ممنوعیت را نادیده گرفته‌اند. ثانیاً، طبق قوانین مندرج در کنوانسیون لاهه مورخ ۱۸ اکتبر

۱۹۰۷، قواعد مربوط به محاصره و بمباران که برای نیروهای زمینی و دریایی تدوین شده است، برای نیروهای هوایی نیز قابل اعمال می‌باشد. بنابراین مقررات ضمیمه به کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ ژنو که اصول بمباران و تهاجم با جنگ‌افزار زمینی بود، عموماً قابل تعمیم به جنگ‌افزارهای هوایی نیز هستند (Ronzetti, 2006: 6). همچنین، توسل به اصل ضرورت تفکیک نظامیان از غیرنظامیان، یکی از اصول عرفی در حقوق بین‌الملل است که مستند به آن، هر گونه حمله به اهداف غیرنظامی، مشروعیت حقوقی نداشته و مستوجب مسئولیت است.^۱

نصوص فوق که عموماً جزو حقوق عرفی بین‌المللی بوده و الزام‌آوری ذاتی بر همه کشورها دارند، صراحتاً مسئولیت دولت‌های تسهیل و تأمین‌کننده دولت‌های متجاوز برای اقدام به حمله به کشور را نمایان می‌کند. در نتیجه این اعمال تجاوزکارانه که مصداق فعل «زیان‌بار» می‌باشد، خسارات عدیده‌ای به مراکز غیرنظامی وارد آمده است که نبایستی موضوع اقدامات جنگی قرار گیرند و مورد ممنوعیت عدیده‌ای در اسناد قرار گرفته‌اند که در بخش‌های فوق تبیین شد. این مراکز آسیب‌دیده تا تاریخ ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ و پیش از آتش‌بس یک‌طرفه، عبارتند از ۱۴۹ هزار و ۵۲۸ واحد غیرنظامی که از این تعداد بیش از ۱۲۳ هزار مورد مسکونی و ۲۴ هزار مورد تجاری بوده است و ۳۵۰ مرکز بهداشتی و درمانی و اورژانس.^۲

۳-۱. رابطه سببیت

بر مبنای این رکن، زیان باید مبتنی بر تقصیر فاعل و پدیدآورنده‌ای باشد؛ به نحوی که بدون آن خسارت به بار نمی‌آید. به عبارت دیگر، زیان باید قابل انتساب به دولت باشد (Lillich & Weston, 1982: 6-7). در موضوع مورد بحث، عوامل متعددی در وارد آمدن خسارت به کشور نقش داشته‌اند:

نخست، دولت‌هایی که به صراحت مرتکب تجاوز شده‌اند و برای نمونه، آشکارا به نابودی مراکز هسته‌ای و زیرساخت‌های انرژی کشور اذعان کرده‌اند.

دوم، دولت‌هایی که سرزمین خود را در اختیار دولت‌های متجاوز قرار داده و نقش معاونت داشته‌اند، از جمله کویت، بحرین، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و اردن. دولت‌های مذکور از خاک خود برای تجاوز به کشور استفاده کرده و منابع آن‌ها نیز برای تأمین هزینه‌های

۱. اصل تفکیک، علیرغم اینکه یک اصل عرفی است، در مواد ۴۸ و ۵۱ کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و ۱۹۷۷ ذکر شده است.

۲. حسین کولیوند، گزارش هلال احمر درباره خسارات جنگ رمضان، ۱۴۰۵/۲/۲۴، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، گزارش هلال احمر درباره خسارات جنگ رمضان، <https://dolat.ir/detail/481418>، مشاهده در: ۱۴۰۵/۲/۲۷.

جنگ به کار گرفته شده است.

سوم، عوامل داخلی خودفروخته، مانند افرادی که مختصات مراکز حساس و فیلم‌های تخریب را در اختیار شبکه‌های معاند قرار داده‌اند یا در صدد انجام اقدامات خرابکارانه در داخل کشور بوده‌اند.

بنابراین، برای احراز رابطه سببیت، باید مشخص شود که کدام‌یک از این سه دسته عوامل می‌توانند به‌عنوان طرف دعوا قرار گرفته و خسارت از آن‌ها مطالبه شود و تفاوتی میان شخص حقوقی و حقیقی بر اساس قانون داخلی کشور وجود ندارد.^۱

در نظام حقوقی ایران، با توجه به مواد قانونی و منطق حقوقی و فقه اسلامی، سبب متعارف یا اصلی مسئول جبران خسارت است. بر اساس این سبب، عاملی مکلف به جبران خسارت خواهد بود که نسبت به جریان عادی امور، موجب خسارت شده است. قانون مدنی در مورد اجتماع سبب و مباشر در اتلاف، مباشر را مسئول می‌شناسد مگر اینکه سبب از مباشر اقوی باشد.^۲ در این خصوص، اذعان صریح به تحمیل خسارت، امری اولی از عرف است و محملی برای کشف رابطه سببیت وجود ندارد. به‌عنوان نمونه، تهدید رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به حمله به زیرساخت‌ها در صفحه شخصی خود در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۲۶ در ساعت ۶:۱۸ به وقت محلی، اگرچه سبب احراز تعمد در ورود خسارت نیست لکن اماره‌ای بر حمله به زیرساخت‌ها پس از این تهدید است؛ چراکه اولاً برای احراز مسئولیت و استلزام به جبران خسارت، نیازمند تعمد متجاوز نبوده و ثانیاً، تهدید مزبور کماکان پابرجا است. هرچند در بسیاری موارد، صراحتاً حمله به زیرساخت‌ها بدون تهدید و تعیین مهلت زمان (برخلاف مهلت ۱۰/۵/۲ روزه وی) صورت گرفته است، همچون تصریح وی در سخنرانی ۱ آوریل ۲۰۲۶ به صراحت نسبت به حمله به پل‌های ایران اشاره کرده و در ۲ آوریل، پل بی‌۱ کرج تخریب شد.

چنین تصریحی به معاونان و شرکا در تجاوز نیز تسری می‌یابد که متکی بر فعل آنان است؛ به عبارتی دیگر، تصریح مزبور اگرچه دلالت بر عمد نمی‌کند و به بیانی، برای تحقق مسئولیت غیرقراردادی، تعمد شرط نیست، اما دلالت عرفی کفایت می‌کند. فلذا عرفاً در اختیار گذاشتن سرزمین و منابع به متجاوز، اعانه به آن است و گستره مسئولیت را به معاونان بسط می‌دهد؛

۱. ماده ۵۸۸ قانون تجارت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذلک».

۲. ماده ۳۳۲ قانون مدنی: «هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد بنحوی که عرفاً اتلاف مستند باو باشد».

کما اینکه اعطای مجوز تأسیس پایگاه نظامی توسط کشور بحرین یا حضور نظامیانی که به تصریح مقامات آمریکایی برای حمله زمینی به ایران در آن منطقه از سرزمین کویت حضور دارند، نافی حق حاکمیت کشورهای مزبور برای عدم انجام عملیات نظامی علیه ایران نیست لکن هیچ اقدامی برای ممانعت از سوی این کشورها صورت نگرفت. این مسئله نسبت به عوامل خودفروخته نیز صادق است که با تهیه ماهواره‌های مخابراتی و دستگاه‌های اتصال به اینترنت، وارد کردن سلاح‌های گرم و سرد برای اغتشاش و اختلال در نظم و همچنین تهیه اطلاعات و تصاویر برای جنگ رسانه‌ای دشمن، به متجاوز کمک می‌کنند. ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز در این خصوص اشعار می‌دارد: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به‌طور مساوی ضامن هستند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتار خود مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب، ضامن است.» بنابراین، با تعدد اسباب در ورود زیان و ضرر، ضمان در پرداخت غرامت از بین نمی‌رود بلکه با توجه به شرایط و ملاحظات دادرسی و کارشناسان، میان سبب و مباشر است.

اسباب فوق‌الذکر، همان خواندگانی هستند که می‌توان به طرفیت آنان اقامه دعوا کرد. لکن در خصوص رژیم صهیونیستی که ایران موجودیت دولت آن را به رسمیت نمی‌شناسد، شاید مسئله انتساب دشوار باشد اما باید گفت:

نخست؛ ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی^۱، مسئولیت غیرقراردادی حملات رژیم را به همه متجاوزین و معاونین آنان توزیع می‌کند.

دوم؛ باید گفت که می‌توان شخصیت‌های تأثیرگذار در ایجاد خسارت را به‌عنوان خواننده دعوا و عامل سببی برای احراز رکن رابطه سببیت شناسایی کرد. در مسئولیت غیرقراردادی، چنانچه خواننده در قالب یک دولت باشد، مسئولیت متوجه همان دولت خواهد بود؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران اقدامات آن را بر اساس ساختار دولتی خود به رسمیت می‌شناسد. اما اگر طرف متجاوز فاقد ساختار دولتی باشد و در قالب یک گروه یا رژیم خاص علیه کشور دست به تجاوز بزند، می‌توان مسئولیت را متوجه اسبابی قوی‌تر از عامل مباشر دانست؛ مانند کابینه فعلی رژیم صهیونیستی. در

۱. هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند.

این خصوص می‌توان به ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی^۱ به جهت سلسله مراتب فرماندهی جنگ، برای محکومیت اشخاص استناد کرد. همچنین ماده ۷ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی^۲ نیز توجه ویژه‌ای به این مسئله دارد.

سوم؛ با طرف قرارداد مقامات رژیم صهیونیستی بر اساس بند (ب) ماده ۱ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی^۳، آنان را در زمره فعالان برای دولت‌های متجاوز همچون آمریکا قلمداد کرد و نقش تبعی برای آنان در نظر گرفت.

همچنین در خصوص دولت‌های معاون در تجاوز، این فرض وجود دارد که ممکن است تأثیر متفاوتی در ورود خسارت به کشور داشته باشند. به‌عنوان مثال برخی صرفاً به اعطای مجوز استفاده از سرزمین خود به متجاوز تمکین کرده‌اند و برخی تسلیحات در اختیار متجاوز قرار داده‌اند. این موضوع نیز در اثنای ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی^۴ مقرر شده است که تفاوت در تأثیر، سبب تفاوت در مسئولیت نیز می‌شود.

۲. مبانی و مراجع موجود در نظام حقوقی ایران

برای عملیاتی‌سازی ظرفیت‌های موجود، لاجرم می‌بایست ارکان اجرایی - متشکل از قوانین ناظر، مراجع صالح و نمایندگان صالح برای طرح دعوا - مورد شناسایی واقع شود تا اشخاص آسیب‌دیده بتوانند با شناختی جامع، به مطالبه حق خود پردازند. شناخت مبانی و مراجع علی‌رغم کاهش اطلاع در فرایندهای اخذ غرامت، سبب می‌شود خطای دادرسی به حداقل برسد.

۱. هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است.
۲. دعاوی علیه نمایندگان یا مقامات یا نهادهای وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی با رعایت اصل عمل متقابل، در صورتی قابل رسیدگی است که خسارات، ناشی از اقدامات موضوع این قانون باشد.
۳. ب- خسارات ناشی از اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروه‌های وحشت‌افکن (تروریستی) در داخل یا خارج ایران که دولت خارجی آنها را تشویق یا از آنها حمایت می‌نماید و یا اجازه اقامت یا تردد و یا فعالیت در قلمرو حاکمیت خود را به آنها می‌دهد و اقدامات مذکور منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی می‌شود.
۴. چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند.

۲-۱. مبانی قانونی مطالبه غرامات و خسارات از متجاوزان

با توجه به اینکه غرامات وارده اعم از مالی و غیرمالی بوده و عاملان آن شامل گستره مسئولیت دولت و اشخاص می‌گردد، لازم است گفته شود که مسئولیت اشخاص بر اساس مبانی قانون داخلی محرز است. بنا بر مواد ۵ قانون مدنی^۱ و ۳ قانون مجازات اسلامی^۲، تمامی خساراتی که در سرزمین ایران رخ دهد، در صلاحیت مراجع داخلی است و اشخاص واردکننده خسارت، مشمول قوانین عام جبران خسارت هستند و با احراز ارکان مسئولیت غیرقراردادی، مطالبه خسارت و غرامت امکان دارد. اگرچه در اجرای ضمان مدنی، تفکیک چندانی بر اساس نوع شخصیت (حقیقی یا حقوقی) وجود ندارد^۳ و تأثیر چشمگیری در روند دادرسی ندارد اما در خصوص شخصیت دولتی متجاوزان و همچنین اشخاص مرتبط با آنها، قوانین و مقررات جداگانه‌ای در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی شده است که امکان مطالبه غرامت و تحقق مسئولیت غیرقراردادی را در داخل کشور فراهم می‌کند. لازم به ذکر است که در هر مورد، ارکان مسئولیت غیرقراردادی باید احراز شود. در ادامه به این قوانین خواهیم پرداخت:

بند اول: قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی ۱۳۹۰

قانون‌گذار ایران به جهت عمل متقابل، اقدام به تصویب این قانون نمود (جنیدی و راضی، ۱۴۰۱: ۹۵). آنچه نقش محوری را در این قانون بازی می‌کند، صلاحیتی است که برای احراز عمل مغایر با حقوق بین‌الملل به دادگاه‌های داخلی داده است (شریفی طرازکوهی و مدرس سبزواری، ۱۳۹۵: ۳۱). قانون مزبور چارچوبی را تعیین می‌کند که بر اساس آن، اتباع ایرانی می‌توانند برای احقاق حق خود و مطالبه خسارات وارده از سوی دولت‌های خارجی، به دادگاه‌های داخلی ایران مراجعه کنند. این قانون با الهام از اصول حاکمیت ملی و حمایت از حقوق شهروندان در برابر آسیب‌های ناشی از اقدامات دولت‌های خارجی تدوین شده است. محور اصلی این قانون، امکان‌پذیر ساختن طرح دعوا و در نهایت دریافت غرامت از دولتی است که در نتیجه فعل یا ترک فعل آن، خسارتی به شخص حقیقی یا حقوقی ایرانی وارد شده باشد. بر اساس ماده ۱ این قانون، خسارات قابل مطالبه

۱. کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردیکه قانون استثناء کرده باشد.

۲. قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آن‌که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

۳. ن.ک: ماده ۵۸۸ قانون تجارت.

عبارتند از:

الف) خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی در داخل یا خارج ایران که مغایر با حقوق بین‌الملل است و منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی اشخاص می‌شود.

ب) خسارات ناشی از اقدام یا فعالیت اشخاص یا گروه‌های وحشت‌افکن (تروریستی) در داخل یا خارج ایران که دولت خارجی آن‌ها را تشویق یا از آن‌ها حمایت می‌نماید یا اجازه اقامت یا تردد یا فعالیت در قلمرو حاکمیت خود را به آن‌ها می‌دهد و اقدامات مذکور منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی می‌شود.

این قانون گستره جبران خسارات را به اعم از دولت‌های متجاوز سرایت داده است، کما اینکه در بند (ب) مشهود است. در ماده ۳ نیز احکام ضمان به دولت‌های مساعد همچون دولت‌هایی که سرزمین خود را در اختیار متجاوزان گذاشته‌اند، تعمیم یافته است: «چنانچه دولت‌های دیگری در اجرای احکام ناقض مصونیت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن مساعدت و همکاری نمایند مشمول مقررات این قانون می‌باشند.»

وصول خسارت از اموال دولت خارجی مستلزم شناسایی و توقیف اموال متعلق به آن دولت در قلمرو ایران است. قانون‌گذار ایرانی با تصویب این قانون، درصدد جبران قراردادی از جنبه تمکین اطراف وارد عمل شده لکن از استیفای غرامت در صورت امتناع غفلت نکرده و اقداماتی را برای این امر مقرر کرده است؛ ماده ۸ اشعار می‌دارد: «اموال متعلق به دولت یا مقامات یا نمایندگان آن یا نهادهای وابسته یا در کنترل دولت خارجی مشمول این قانون با رعایت اصل عمل متقابل، مصون از اقدامات اجرائی نیست.» همچنین ماده ۹ این قانون به جهت تضمین عملکردی مقرر اخیر، بیان می‌کند: «موارد مصرحه در معاهدات بین‌المللی لازم‌الاجراء نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران مشمول حکم ماده ۸ این قانون نمی‌شود مگر در موارد زیر: الف) عوایدی که از اجاره، رهن یا فروش اموال دولت خارجی حاصل می‌شود. ب) اموال دولت خارجی که به قصد فرار از اعمال این قانون به غیر منتقل می‌شود. پ) اموال مصونیت‌یافته بر اساس مقررات بین‌المللی که در دولت خارجی مشمول این قانون، موضوع اقدامات اجرائی باشد.»

در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۹۲، به خسارت تنبیهی پرداخته که ناشی از تکرار است. این ماده اشعار می‌دارد: «میزان خسارت تنبیهی با توجه به آثار و تکرار و تداوم نقض قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی توسط کشور خوانده علیه دولت یا مقامات کشور جمهوری اسلامی ایران، شدت و گستردگی صدمات و خسارات جانی، معنوی و مالی وارد شده و احکام

مشابه دادگاه خارجی تعیین می‌گردد.^۹ مستندات مربوط به این خسارت تنبیهی، توسط وزارتخانه‌های امور خارجه و اطلاعات و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و بنیاد شهید و امور ایثارگران به مرجع صالح قضایی ارائه خواهد شد.

بند دوم: قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی ۱۳۹۵

این قانون که در سال ۱۳۹۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، چارچوب حقوقی و اجرایی مشخصی را برای مطالبه و احقاق حقوق مالی و معنوی ایران و شهروندانش در قبال خسارات وارده از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی تعیین می‌کند. محور اصلی این قانون، الزام دولت جمهوری اسلامی ایران به انجام تمامی اقدامات لازم در زمینه‌های دیپلماتیک، حقوقی و قضایی به‌منظور شناسایی، احصا و در نهایت دریافت غرامت و جبران کامل این خسارات است. این خسارات به‌طور مشخص شامل اقدامات، جنایات و تصمیمات خلاف حقوق بین‌الملل دولت آمریکا علیه تمامیت ارضی ایران، منافع ملی و اتباع ایرانی می‌شود. دامنه شمول این قانون، از اقدامات پیشین رژیم‌های یادشده تا اقدامات خرابکارانه پس از تصویب آن را در بر می‌گیرد که بندهای ۹ و ۱۰ ماده ۱ این قانون^۱ مؤید این مطلب است.

بر اساس این قانون و مشابه قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، قانون‌گذار دامنه اختیارات دولت ایران را برای استیفای غرامت گسترش داده است. این توسعه اختیارات از نظر موضوعی به مراجع داخلی محدود نمی‌شود و همچنین دولت‌های معاون متجاوزان را نیز شامل می‌گردد. ماده ۳ قانون بیان می‌کند: «دولت موظف است اجرای تصمیمات مراجع صالح به نفع جمهوری اسلامی ایران و اتباع آن را در کشورهای ثالثی که اموالی از ایالات متحده در آن‌ها وجود دارد، در چهارچوب اقدام متقابل تعقیب کند. در مواردی که دادگاه‌های کشورهای ثالث نسبت به شناسایی و یا اجرای احکام دادگاه‌های داخلی ایالات متحده آمریکا علیه ایران اقدام می‌کنند، دولت موظف است اقدام متقابل مقتضی را جهت شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های داخلی ایران در آن کشورها یا سایر کشورها حسب مورد به عمل آورد.» این بسط، تا بدان‌جاست که به اقدام متقابل رسیده است. ماده ۴

۱. ۹- کلیه خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از اقدامات رژیم غاصب صهیونیستی که با حمایت یا نقش‌آفرینی آمریکا انجام پذیرفته یا می‌پذیرد.

۱۰- کلیه خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از سایر اقدامات یا وقایعی که با حمایت یا نقش‌آفرینی ایالات متحده روی داده است یا در آینده روی خواهد داد.

قانون در این خصوص اشعار می‌دارد: «اقدامات حقوقی مذکور در این قانون تا آنجا که در قبال دولت خارجی (ایالات متحده بر اساس ماده (۲) این قانون و یا هر کشور دیگر موضوع ماده (۳) این قانون) اتخاذ می‌شود و نقض مصونیت آن دولت و یا مقامات آن دولت تلقی شود، باید در چهارچوب واکنش به نقض تعهد داخلی آن دولت بوده و محدود به حدود اقدامات متقابل بر اساس حقوق بین‌الملل باشد.»

۲-۲. مراجع و نهادهای صالح

پس از احراز ارکان مسئولیت غیرقراردادی و استحکام مبانی قانونی طرح دعوا، اکنون برای اقامه دعوی و مطالبه خسارات و غرامات، لازم است که خواهان صالح در دعوا و همچنین مراجع صالح برای رسیدگی تعیین شوند تا جنبه اجرایی عملیات دریافت غرامت در داخل کشور تکمیل گردد. در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. اشخاص و نهادهای صالح در طرح دعوی

الف) نهادهای دولتی

بر اساس اصول کلی حقوقی، دعوی مطالبه غرامت و خسارت جنبه شخصی دارد و باید از سوی خود زیان‌دیده اقامه شود. موید این مسئله، ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «اقامه دعوی، ترتیب رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن مطابق قانون و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ و سایر قوانین و مقررات مربوط خواهد بود.» اما قانون‌گذار به دلیل ورود عنصر دولت بیگانه، علی‌رغم اینکه صلاحیت اقامه دعوا توسط اشخاص خصوصی را نفی ننموده، به موجب نظریه خدمات عمومی که دلالت بر ورود دولت به عنوان نماینده عموم دارد (منصوری‌زاده و صدری‌ارحامی، ۱۴۰۴: ۱۴۹)، نهادهای گوناگونی را به موجب قوانین برای طرح دعوی تعیین کرده که از قرار زیر است:

دولت (وزارت امور خارجه): مستند به بندهای ۹ و ۱۰ ماده ۱ قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی مصوب ۱۳۹۵، دولت می‌تواند برای جبران خسارت‌های ملحوظ در مواد ۲ و ۳ قانون اخیر^۱، ترتیب اثر دهد. به موجب

۱. «ماده ۲- دولت موظف است در مواردی که ایالات متحده تعهدات خود در قبال جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در حوزه مصونیت دولت و اموال متعلق به دولت و مقامات جمهوری اسلامی ایران را نقض می‌نماید، در راستای اقدام متقابل کلیه اقدامات از جمله اقدامات حقوقی مقتضی را به‌عمل آورد.»

ماده ۲۵ قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه ۱۳۹۶، «وزارت امور خارجه موظف است با همکاری دستگاه‌های ذیربط از ظرفیت قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی مصوب ۱۳۹۵ برای احقاق حقوق شهروندان ایرانی که از ناحیه تحریم‌های غیرقانونی آمریکا یا اقدامات ماجراجویانه و تروریستی این کشور در منطقه از جمله اقدامات گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی و افراطی در مورد حمایت آمریکا، صدمه یا خسارت می‌بینند، استفاده نماید.»

قوه قضائیه (دادستانی کل کشور): به موجب بند «ذ» ماده ۱۱۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۳، «قوه قضائیه در موارد مهم و به تشخیص خود مکلف است با همکاری وزارتخانه‌های دادگستری و امور خارجه در رسیدگی به جرائم علیه حقوق بشر از جمله نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، اربعاب‌گری (تروریسم)، جرائم جنگی و تجاوز در سایر کشورها توسط اشخاص حقیقی، حقوقی یا دولت‌ها به‌ویژه جرائم ارتكابی توسط دولت‌های غربی اقدامات حقوقی لازم را به‌عمل آورده و گزارش آن‌ها را در اختیار مراجع ذیصلاح داخلی و بین‌المللی قرار دهد.» دادستانی کل کشور به‌عنوان مدعی‌العموم برای ایفای وظایف مذکور در بند ۲ و ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی (رحمدل، ۱۳۸۸: ۱۱۰) در مراجع قضایی محل وقوع حوادث به استناد ماده ۳ و ۴ قانون مجازات اسلامی^۱ صالح برای اقامه دعوی است.

ب) اشخاص و نهادهای خصوصی

لازم به ذکر است که صلاحیت طرح دعوی توسط اشخاص زیان‌دیده نفی نشده است؛ کمالینکه ماده ۶ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی ۱۳۹۰ بیان می‌کند: «دادگاه‌های ایران (دادگستری تهران) در موارد زیر

«ماده ۳- دولت موظف است اجرای تصمیمات مراجع صالح به نفع جمهوری اسلامی ایران و اتباع آن را در کشورهای ثالثی که اموالی از ایالات متحده در آنها وجود دارد، در چهارچوب اقدام متقابل تعقیب کند. در مواردی که دادگاه‌های کشورهای ثالث نسبت به شناسایی و یا اجرای احکام دادگاه‌های داخلی ایالات متحده آمریکا علیه ایران اقدام می‌کنند، دولت موظف است اقدام متقابل مقتضی را جهت شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های داخلی ایران در آن کشورها یا سایر کشورها حسب مورد به عمل آورد.»

۱. ماده ۳- قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آن‌که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۴- هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.

صلاحیت رسیدگی به شکایت علیه دولت‌های خارجی را دارند: الف) زیان‌دیده یا بازماندگان وی در زمان وقوع حادثه یا زمان طرح دعوی تبعه ایران باشند. ب) زیان‌دیده در زمان ورود خسارت در استخدام دولت جمهوری اسلامی ایران باشد.»

سازمان‌های مردم‌نهاد، به تصریح ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری^۱، می‌توانند در حدود صلاحیتی که در اساسنامه برای آن‌ها تعریف شده، اقدام به اقامه دعوی و پیگیری آن در همه مراحل دادرسی کنند. این گونه سازمان‌ها نیز می‌توانند با تاسی نسبت به اینکه چنین مطالبه‌ای که مصداق حقوق شهروندی است، از خودداری از انجام وظیفه مقامات و مراجع صالح در مطالبه غرامت همچون وزارت خارجه، مبتنی بر تبصره ۲ ماده ۱۷ قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی ۱۴۰۲، نزد دیوان عدالت اداری طرح دعوا کرده و حقوق اشخاص را به نمایندگی از آنان مطالبه کنند. آنچه که در این خصوص اهمیت دارد، شمول نهاد صالح ذیل ماده ۱۰ قانون اخیرالذکر است (غمامی، ۱۴۰۲: ۲۷).

۲-۲-۲. مراجع صالح در رسیدگی به دعوی

ماده ۶ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، دادگستری تهران را دارای صلاحیت رسیدگی به شکایت علیه دولت‌های خارجی می‌داند.^۳ این درحالی است که ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اخیر، مرجع صالح را مبتنی بر عمومیات حقوقی تعیین کرده که ممکن است لزوماً در صلاحیت دادگستری تهران نباشد: «اقامه دعوی، ترتیب رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن مطابق قانون و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ و سایر قوانین و مقررات مربوط خواهد بود.»

۱. سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

۲. سازمان‌های مردم‌نهادی که موضوع فعالیت آن‌ها طبق اساسنامه مربوط، در زمینه حمایت از حقوق عامه از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و موضوعات محیط زیستی، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند در خصوص موضوعات تخصصی مرتبط با فعالیت خود، نسبت به غیرقانونی بودن تصمیمات و اقدامات یا خودداری از انجام وظیفه مقامات و مراجع موضوع ماده (۱۰) این قانون که متضمن تضييع حقوق عمومی است در دیوان طرح شکایت کنند و حق تجدیدنظرخواهی دارند.

۳. همچنین ماده ۱ بیان می‌کند: «به موجب این قانون برای مقابله و جلوگیری از نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل، اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند از اقدامات دولت‌های خارجی که مصونیت قضائی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نمایند، در دادگستری تهران اقامه دعوی کنند.»

قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه که چند سال بعد در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسید، در ماده ۲۴ خود بیان می‌کند: «قوه قضائیه موظف است شعبه و یا شعب ویژه‌ای را به منظور رسیدگی به شکایات کسانی که از ناحیه تحریم‌های غیرقانونی آمریکا یا اقدامات ماجراجویانه و تروریستی این کشور در منطقه صدمه یا خسارت دیده و یا می‌بینند اختصاص دهد.» با توجه به قاعده عدم نسخ قانون خاص مقدم توسط قانون عام مؤخر و قاعده اولویت جمع احکام نسبت به طرح آن‌ها و همچنین، تصریح به امکان تعیین مرجع دیگر به موجب قانون در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی اخیرالذکر، مستفاد از جمع مواد مذکور، دادگستری تهران مرجع صالح برای اقامه دعوی می‌باشد.

۳. چالش‌های داخلی موجود و راهکارهایی برای آن

در تحقق منویات مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی}، قوانین متمر ثمری در حوزه داخلی یافت می‌شود که در سطور فوق بیان شده‌اند اما کاستی‌هایی برای نخستین فرمان ایشان وجود دارد که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۳-۱. چالش‌های موجود در حوزه حقوق داخلی

۳-۱-۱. چالش نهاد عامل برای تحقق منویات مقام معظم رهبری

منظومه قوانین موجود داخلی، تبلور جایگاه اعلای مقام رهبری در ساختار جمهوری اسلامی ایران است، به نحوی که اصل ۱۱۳ قانون اساسی^۱، ایشان را عالی‌ترین مقام کشور معرفی می‌کند. صرف‌نظر از اصل ۱۱۰ قانون اساسی که هیچ تصریحی به امکان الزام دستگاه‌ها برای تحقق بخشیدن به فرمایشات مقام معظم رهبری ندارد، سایر اصول قانون اساسی به نقش نظارتی و انتصابی ایشان اشاره دارند؛ مانند اصول ۵۷ و ۹۱. اگرچه در گفتار دوم مبحث دوم، نهادهای صالح برای طرح دعوا و پیگیری موضوع احصا شده‌اند، اما الزام قانونی مشخصی که دستگاهی را به عنوان مجری سخنان رهبری معرفی کند، وجود ندارد و در نظام حقوقی ایران، نهاد خاصی به عنوان عامل و پیگیری‌کننده منویات مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی} تعریف نشده است.

۳-۱-۲. چالش خلأ در قوانین برای تحقق منویات مقام معظم رهبری

فرمایشات مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی} در خصوص اخذ غرامت، شامل سه بخش است. بخش‌های اول و دوم آن، بر اساس قوانین موجود داخلی قابل تحقق هستند. اما بخش سوم فرمایشات ایشان

۱. پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

که می‌فرمایند: «گر آن هم مقدور نباشد، به همان اندازه از اموالش را نابود خواهیم کرد»، اشاره دقیقی به پابندی نظام جمهوری اسلامی ایران به دریافت غرامت دارد، حتی اگر سایر قواعد حقوقی پاسخگو نباشند. این اقدام که تحت عنوان «اقدام متقابل» از آن یاد می‌شود، در قوانین و مقررات موجود و گفتمان‌های حقوقی، برای تئوریزه کردن چنین موضوعی اقدامی صورت نگرفته است. تنها نمونه‌های ضعیفی از این اقدام متقابل را می‌توان در ماده ۴ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مشاهده کرد. این ماده ناظر بر نابودی یا انتقال خسارات وارده به اموال دولت‌های متجاوز و معاونان آن‌ها نیست و صرفاً بر توقیف اموال متمرکز است.

۳-۱-۳. چالش تعارض در قوانین برای تحقق منویات مقام معظم رهبری

همان‌گونه که گذشت، یکی از ارکان تحقق مسئولیت غیرقراردادی، احراز رابطه سببیت است. این رابطه از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که علاوه بر شمول مسئله خواننده دعوی به آن، مسئله استیفای غرامت را در بر می‌گیرد. در این خصوص، ماده ۸ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، از اموالی نام برده است که احراز رابطه سببیت در ورود خسارت به کشور نسبت به مالکان آن‌ها دشوار است. اثبات رابطه سببیت در قبول لزوم جبران خسارت و پرداخت غرامت از «اموال متعلق به دولت یا مقامات یا نمایندگان آن» به دشواری اموال متعلق به «نهادهای وابسته یا در کنترل دولت خارجی» نیست؛ چه بسا نهادهایی وجود داشته باشند که مخالف اقدامات دولت متبوع خویش بوده لکن امکان ضبط اموال آن به استناد ماده اخیرالذکر وجود دارد.

۳-۱-۴. چالش ضعف در شمول قانونی

بر اساس ماده ۱ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۹۰، دو شرط مقرر شده است؛ نخست: اقدام دولت خارجی در نقض مصونیت قضائی دولت جمهوری اسلامی ایران یا مقامات رسمی آن؛ دوم: اعلام فهرست دولت‌های مزبور به قوه قضائیه توسط وزارت امور خارجه. آنچه از این ماده بر می‌آید این است که در صورت محقق نشدن این شروط، اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی، نمی‌توانند علیه دولت‌های خارجی که سبب ورود خسارت به آن‌ها شده‌اند، اقامه دعوا کنند.

۳-۲. راهکاری موجود در حوزه حقوق داخلی

۳-۲-۱. راهکار چالش نهاد عامل برای تحقق منویات مقام معظم رهبری

با بررسی دقیق قوانین و مقررات موجود، می‌توان پیشنهاد داد که مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان نهاد اجرایی برای تحقق بخشیدن به فرمایشات و سخنان مقام معظم رهبری در نظر گرفته شود. به‌موجب اثنای اصل ۱۱۲ قانون اساسی^۱، مجمع تشخیص مصلحت نظام موظف است به «سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است» عمل نماید. یکی از وظایف مصرح برای مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی^۲ است. موضوع اخذ غرامت و تحقق منویات مقام معظم رهبری در شرایط کنونی، از مهمترین امور نظام به‌شمار می‌رود. در صورتی که این موضوع از طریق مجاری عادی قابل حل نباشد - چه به‌دلیل انجام اقدام نامناسب در پیگیری و چه به‌دلیل ترک فعل در این زمینه - مجمع تشخیص مصلحت نظام باید وارد عمل شده و پیگیری آن را به سرانجام برساند. این نهاد در تعارض با سایر دستگاه‌ها قرار نمی‌گیرد، زیرا در قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی مصوب ۱۳۹۵، «دولت» به‌معنای عام به کار رفته است و شمول آن شامل مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز می‌شود و همچنین، در راستای تطبیق با ماده ۲۵ قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات مازاجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه ۱۳۹۶^۳، در لوای دستگاه معاون با وزارت امور خارجه اقدامات لازم را می‌تواند به‌عمل آورد.

۳-۲-۲. راهکار چالش خلأ در قوانین برای تحقق منویات مقام معظم رهبری

در این خصوص و مذاقه حقوقی در عبارات ماده ۸ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی

۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

۲. حل معضلات نظام که از طُرُق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳. وزارت امور خارجه موظف است با همکاری دستگاه‌های ذیربط از ظرفیت قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی مصوب ۱۳۹۵ برای احقاق حقوق شهروندان ایرانی که از ناحیه تحریم‌های غیرقانونی آمریکا یا اقدامات مازاجویانه و تروریستی این کشور در منطقه ازجمله اقدامات گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی وافرادی در مورد حمایت آمریکا، صدمه یا خسارت می‌بینند، استفاده نماید.

ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی^۱، «اقدامات اجرایی» به‌نحو مطلق به‌کار رفته است که نافی اقدام به نابودی اموال دشمنان به جهت امتناع آنان در اعطای حقوق حقه ایران، نیست. این اقدامات اجرایی، صرفاً متوجه توقیف اموال نبوده بلکه می‌توان آن را شامل نابودی اموال دشمنان با رعایت تناسب غرامت دانست؛ همان‌گونه که در قوانین و مقررات موجود، قلع و قمع مستحقاتی که به ناحق ایجاد شده‌اند، صورتی از اقدامات اجرایی برای استقرار حق می‌باشد.^۲ ماده ۹ نیز صرفاً مصونیت از اعمال ماده ۸ را تنها ناظر به موارد مصرحه در معاهدات بین‌المللی لازم‌الاجرا نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران دانسته و سپس به موارد استثنا از همین حکم ماده ۹ پرداخته است.^۳ و هیچ‌گونه تصریحی در نوع اقدام اجرایی نداشته و صرفاً به بسط ید دستگاه اجرایی برای استیفای غرامت توجه داشته است. به عبارت دیگر، حتی در صورتی که معاهدات بین‌المللی (که در حکم قانون است) اموال را واجد مصونیت از اقدام اجرایی دانسته، اگر آن مال، مشمول بندهای ماده ۹ مزبور باشد، مصونیت از بین رفته و می‌توان اقدامات اجرایی مفروض را بر آن اموال اعمال کرد. بنابراین، باتوجه به اطلاق عبارت «اقدامات اجرایی» و حکم کلی ماده ۸ قانون اخیر، می‌توان نتیجه گرفت که تحقق شق ثالث از سخنان مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی} بر مبنای اقدامات اجرایی ملحوظ در ماده اخیر، «ممکن و میسر» است و به تصریح همین ماده ۸ و بند (پ) ماده ۹ که دلالت اقدام متقابل اجرایی دارد، این اقدامات اجرایی را بایستی در پرتو «اقدام متقابل» قرائت کرد و در این صورت، اقدام متقابل نابودی مراکز درمانی، علمی، فرهنگی، ترابری و ...، به تأکید مجوز نابودی متقابل این‌گونه اموال در کشورهای متجاوز و شرکا و معاونان آنان است.

۳-۲-۳. راهکار چالش تعارض در قوانین برای تحقق منویات مقام معظم رهبری

در خصوص رابطه سببیت نسبت به نهادهای وابسته و اموال تحت کنترل دولت‌های خارجی که در ماده ۸ احصا شده‌اند، دو فرض قابل طرح است که در احراز رابطه سببیت راهگشا خواهد بود:
فرض اول: منظور از نهادهای وابسته و اموال تحت کنترل دولت خارجی، همان اموال و

۱. اموال متعلق به دولت یا مقامات یا نمایندگان آن یا نهادهای وابسته یا در کنترل دولت خارجی مشمول این قانون با رعایت اصل عمل متقابل، مصون از اقدامات اجرایی نیست.

۲. ر.ک: مواد ۳۱۳، ۵۰۳، ۵۹۴ و ۸۱۹ قانون مدنی.

۳. موارد مصرحه در معاهدات بین‌المللی لازم‌الاجراء نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران مشمول حکم ماده (۸) این قانون نمی‌شود مگر در موارد زیر:

الف - عوایدی که از اجاره، رهن یا فروش اموال دولت خارجی حاصل می‌شود.

ب - اموال دولت خارجی که به قصد فرار از اعمال این قانون به غیر منتقل می‌شود.

پ - اموال مصونیت‌یافته بر اساس مقررات بین‌المللی که در دولت خارجی مشمول این قانون، موضوع اقدامات اجرایی باشد.

نهادهایی هستند که به دولت‌های متجاوز، کمک و توان لازم برای تجاوز را فراهم کرده‌اند. بنابراین، دخالت آن‌ها در تجاوز آشکار بوده و رابطه سببیت در ورود خسارت محرز است. فرض دوم: نهادهای وابسته به دولت متجاوز یا اموال تحت کنترل آن‌ها، به نحوی به آن دولت‌ها سود می‌رسانند. احراز رابطه انتفاعی میان دولت‌های مزبور و نهادهای وابسته و اموال تحت کنترل آن‌ها، رابطه‌ی سببیت را هرچند به صورت غیرمستقیم شکل می‌دهد؛ چراکه این نهادها و اموال، در توانمندی دولت متجاوز برای آغاز و استمرار تجاوز، نقش مشمری دارند. در صورت استیفا از آن‌ها، صاحبان نهادهای وابسته و اموال می‌توانند به مقصر رجوع کنند که در این فرض، دولت‌های متجاوز هستند که با عملیات غیرقانونی خود و ایجاد شرایط بحرانی، امنیت اموال آنان را در خطر قرار داده‌اند. به عنوان یک قاعده کلی، اقدام اشخاص و نهادهای خصوصی مطابق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت نیست مگر اینکه چنین اقدامی تحت کنترل، هدایت یا فرمان دولت تحقق یافته باشد یا آن دولت، متعاقباً این اقدام را تایید کرده و بپذیرد (Report of the International Law Commission, 2001: Art 4&8).

۳-۲-۴. راهکار چالش ضعف در شمول قانونی

هرچند می‌توان با تفسیر موسع ماده ۱ یا اصلاح قانون مزبور در راستای عدم انقیاد به دولت‌های مرتکب اقدام متقابل، راه حل قانونی پیش‌بینی کرد لکن در خصوص این چالش، با مذاقه در نصوص قانون مزبور و قوانین مربوطه، می‌توان موارد ذیل را بیان داشت:

نخست: بنا به دلایل آتی مسئولیت نسبت به ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی برای استفاده از ظرفیت قانون اخیرالذکر محرز است: اقدام متقابل ایالات متحده آمریکا در صدور احکام نسبت به مصادره اموال ایران در محاکم داخلی و وجود قوانین خاص^۱ در الزام دولت، رأساً یا به نمایندگی، به طرح دعوا علیه ایالات متحده آمریکا.

دوم: در صورتی که بپذیریم دولت‌هایی که در تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی معاونت کردند، از سوی وزارت امور خارجه به عنوان دولت‌های مشمول اقدام متقابل به قوه قضائیه اعلام نشده باشند، با توجه به مسئولیت تضامنی دولت‌ها در تجاوز^۲ می‌توان این نتیجه را گرفت که احراز مسئولیت دولت غیرمندرج در فهرست اعلامی، در نتیجه احراز مسئولیت ایالات متحده آمریکا رخ داده است.

سوم: ماده ۱ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی

۱. ماده ۱ قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی (مستند به بندهای ۸، ۹ و ۱۰).

۲. ماده ۴۷ طرح کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱.

مدنی علیه دولت‌های خارجی، نافی اقامه دعوا نیست. به عبارتی دیگر، با توجه به اینکه ذکر گواهی قوه قضائیه نسبت به دولتی خاص به‌عنوان خواننده، شرط صحت دادخواست^۱ نیست و به محض تقدیم دادخواست، رسیدگی آغاز شده^۲ و دادرس می‌بایست به رسیدگی بپردازد^۳؛ فلذا احراز شرایط مزبور برعهده زیان‌دیده نبوده و بر همین اساس، لزوم تحقق شرایط مزبور در ماده ۱ قانون اخیر، مانعی در اقامه دعوی نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

در نظام حقوق داخلی ایران، قوانین مناسبی برای اخذ غرامت از دولت‌های متجاوز و شرکا و معاونان آنها وضع شده که صرفاً نیازمند پیگیری جدی است. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر تعیین دقیق مسئولیت برای هر نوع دخالت در ورود زیان (اعم از مباشر، شریک و معاون)، تفاوت در میزان تأثیر در ایجاد خسارت را نیز مدنظر قرار داده است؛ به گونه‌ای که حتی برای رژیم صهیونیستی نیز امکان مطالبه خسارت فراهم شده است. با وجود تعیین شعب ویژه در دادگستری تهران برای رسیدگی به جبران خسارات و پرداخت غرامت از سوی متجاوزان، نهادهای عمومی نیز علاوه بر خود زیان‌دیده و سازمان‌های مردم‌نهاد، در قوانین داخلی برای پیگیری این امر پیش‌بینی شده‌اند.

در برخی موارد، با چالش‌هایی مواجه هستیم که برای آنها راهکارهایی عملی و مستند به قوانین و مقررات ارائه کرده‌ایم که عبارتند از: فقدان یک نهاد خاص برای تولیت تحقق منویات مقام معظم رهبری در این زمینه به چشم می‌خورد تا امر پرداخت غرامت با سرعت و دقت کافی انجام شود؛ که با استناد به قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان این نهاد معرفی شد. در خصوص تحقق بخش سوم فرمایشات رهبری که ناظر بر نابودی اموال متجاوزان در صورت امتناع از پرداخت غرامت است، استفاده از ظرفیت عبارت «اقدامات اجرایی» مندرج در ماده ۸ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی پیشنهاد شد؛ افزون بر این، در خصوص چالش انتساب ضرر به خواندگانی که با دولت‌های متجاوز وابستگی دارند، راهکارهایی در زمینه اثبات رابطه سببیت آنها در بروز خسارت با دولت‌ها و رژیم متجاوز ارائه شده است که دامنه‌گرینه‌های اخذ غرامت را بر اساس حقوق داخلی گسترش می‌دهد. به علاوه، امکان احراز مسئولیت دولت‌های معاون در تجاوز، با وجود محدودیت شکلی ماده ۱ قانون صلاحیت دادگستری در اعلام فهرست دولت‌های مشمول عمل متقابل، به مدد مسئولیت تضامنی دولت‌ها وجود دارد.

۱. ر.ک: ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹.

۲. ر.ک: ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹.

۳. اصل ۱۶۷ قانون اساسی.

کتابنامه

- باریکلو، علیرضا (۱۳۹۶). حقوق مسئولیت مدنی. ایران، تهران: نشر میزان.
- جنیدی، لعیا؛ راضی، سپیده (۱۴۰۱). نگاه انتقادی به عملکرد تقنینی ایران در مورد مسئولیت مدنی دولت خارجی در اعمال تحریم. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۱ (۴۱).
- رحمدل، منصور (۱۳۸۸). وظایف دادستانی کل کشور در نظام قضایی ایران. مجله حقوق و مصلحت، ۲.
- شریفی طرازکوهی، حسین؛ مدرس سبزواری، ساسان (۱۳۹۵). راهبرد قضایی برای درک مفهوم اقدامات مغایر با حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی ایران (مطالعه موردی تحریم‌های اقتصادی). مجله حقوقی بین‌المللی، ۵۷.
- صادقی، دیدخت (۱۳۹۰). تحول در مفهوم عدم مداخله در حقوق بین‌الملل. فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ۱۶.
- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی. ایران، تهران: سمت.
- غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۴۰۲). صلاحیت‌ها و گام‌های استیفای حقوق عامه اداری. فصلنامه دولت و حقوق، ۴ (۲).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). الزام‌های خارج از قرارداد. ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لورراسا، میشل (۱۳۷۵). مسئولیت مدنی. ترجمه محمد اشتری، ایران، تهران: نشر حقوقدان.
- منصوری‌زاده، خلیل؛ صدری‌ارحامی، محمد (۱۴۰۴). امکان‌سنجی اثر منفی شناسایی نشدن دولت در توانمندی ایفای خدمات عمومی. فصلنامه پژوهش‌های نوین اداری، ۸ (۲۶).
- Henckaerts, J-M, Doswald-Beck, L. (2005). *Customary International Humanitarian Law*. Volume I: Rules, Cambridge University Press.
- Lillich, B. R., & Weston H. B. (1982). *International Claims: Contemporary European Practice*. University press Virginia.
- Report of the International Law Commission, 2001, Art 4&8.
- Ronztti, N. (2006). *The Codification of Law of Air Warfare*. The Law of Air Warfare. Eleven Intestinal publishing. Printed in the Netherlands.

منابع الکترونیکی

- وال استریت ژورنال، استدلال عجیب دستیاران ترامپ برای توجیه حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی، ۱۴۰۵/۱/۱۶، <https://nournews.ir/fa/news/307669>، مشاهده در: ۱۴۰۵/۲/۲۷.
- حسین کولیوند، گزارش هلال احمر درباره خسارات جنگ رمضان، ۱۴۰۵/۲/۲۴، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، گزارش هلال احمر درباره خسارات جنگ رمضان، <https://dolat.ir/detail/481418>، مشاهده در: ۱۴۰۵/۲/۲۷.